عزت و ذلت

سيد محمدرضا حسينى

مقطع راهنمايى و دبيرستان

لغت شناسان, عزت را به سرافرازى, عزيزى, گرامى و ارجمند گشتن, و ذلت را به معناى خوارى, پستى, زبونى و ذليل گشتن معنا كرده اند.

انسان علاوه بر نيازهاى جسمانى نيازهاى روانى نيز دارد و اين بر هيچ فردى پوشيده نيست. اگر به هر يك از اين نيازها به موقع پاسخ مثبت داده نشود و يا از اعتدال خارج شود, زيان هاى جبران ناپذيرى حاصل خواهد شد.

دامنه نيازهاى روحى با توجه به گستردگى روح به مراتب گسترده تر از نيازهاى جسمانى است. يكى از نيازهاى روحى و روانى انسان, (عزت طلبى و ذلت گريزى) است. آدمى شيفته عزت است و به همين دليل بسيارى از تلاش ها و فعاليت هاى او براى دست رسى به عزت صورت مى گيرد تا از ذلت و خوارى دور باشد.

انسان طورى آفريده شده كه داراى طبعى بلند است. هنگامى كه وارد ميدان زندگى مى شود فراز و نشيب هاى زندگى هم چون امواج دريا او را با خود پايين و بالا مى برد. اگر بلندى طبع در باطن آدمى راسخ و محكم گشت مجدّانه با عواملى كه او را از آن مقام ساقط مى كند, مى جنگد و بالاخره پيروز مى شود; به تعبيرى ديگر عزت نفس خويش را حفظ مى كند. چنين شخصى حاضر است دست از زندگى بر دارد ولى زير بار ذلت نرود, با كمى و ندارى بسازد ولى به ديگران رو نزند. به واقع زبان حال او اين است: (المنية ولا الدنية; مرگ آرى, اما پستى هرگز),1 زيرا سراسر زندگى انسان تلاش و كوشش است. گاهى انسان در گرو اين تلاش ها به موفقيت هايى دست مى يازد و زمانى ناكام مى شود. ممكن است اين موفقيت به انسان عزت بدهد و ناكامى هم ذلت در پى آورد.

عزت در پرتو ايمان

عزت يك مسلمان در سايه عمل به آيات الهى است. عزت واقعى از آن خدا است2 و هر كه را بخواهد عزيزش مى دارد و هركه را بخواهد ذليلش مى كند.3 خداوند در قرآن فرمود: (عزت از آن خدا و پيغمبر و مؤمنين است), پس سزاوار نيست شخص با ايمان خود را ذليل كند, زيرا عزت مؤمن متكى به عزت خدا است.

حسين, مظهر عزت

حضرت حسين بن على(ع) مظهر عزت و الگو و اسوه مبارزه با ذلت و خوارى است. عزت امام آسيب ناپذير است. شهيد مطهرى مى گويد: (هيچ يك از ائمه(ع) درباره سلامت نفس به اندازه حسين بن على(ع) سخن نگفته است),4 زيرا امام حسين(ع) مظهر عزت است. وى مرگ شرافت مندانه را بر زندگى ذلت بار ترجيح داد و فرياد برآورد: هيهات منا الذله. او در مقابل خواست يزيد ايستادگى كرد و نهضت بزرگى را به انجام رساند, هرچند مرگ سرخ را به جان خريد.

امام حسين درس آزادگى و عزت را به مردم آموخت. شهيد مطهرى وقتى از شعارهاى امام حسين(ع) در روز عاشورا بحث مى كند, مى گويد: (يكى از اشعارى كه اباعبدالله در روز عاشورا مى خواند و آن را شعار خودش قرار داده بود, اين شعر بود:

الموت اولى من ركوب العار والعار اولـى من دخـول النار

مرگ در نزد من از ننگِ ذلت و پستى بهتر و عزيزتر و محبوب تر است. اسم اين اشعار را بايد گذاشت شعار آزادى, شعار عزت, شعار شرافت; يعنى براى يك مسلمان واقعى, مرگ, هميشه سزاوارتر است از زيربار ننگ ذلت رفتن).5

مرا عـار آيد از اين زندگى

كه سالار باشم كنم بندگى

عوامل عزت آفرين

عبادت, تقوا, جهاد, نااميدى از مردم, توكل, عمل به احكام, تواضع, عفو, حفظ زبان, صبر, قناعت و چشم پوشى از خشم را مى توان از عوامل و موجبات پيدايش عزت و عظمت نام برد. آن چه مهم است اين است كه همواره بايد انسان عزت مند و شرافت مند در رشد و تكامل خود كوشا باشد تا اين صفت زيبا را در وجود خود عينيت بخشد. در اين جا به برخى از اين عوامل مى پردازيم.

1. اطاعت و بندگى خدا

اطاعت و پرستش خدا موجب عزت انسان مى شود. حضرت حق به حضرت داود(ع) فرمود: وضعت العز فى طاعتى; عزت را در طاعتم قرار دادم).6 امام على(ع) مى فرمايد: اگر در جست وجوى عزت هستيد آن را در اطاعت از خدا بيابيد: (اذا طلبت العز فاطلبه بالطاعة).7

2. تقوا

تقوا و خويشتن دارى از گناه, موجب عزت و آزادگى روح مى شود. اساساً هنگامى كه نور تقوا در وجود انسانِ با ايمان نورافشانى كند عزت و شرافت رخ مى نمايد. پس هركس كه بخواهد عزيز باشد بايد تقوا پيشه كند. پيامبر(ص) فرمود: (من اراد ان يكون اعزّ الناس فليتق الله عزوجل; كسى كه مى خواهد عزيزترين افراد باشد بايد تقوا و پرهيزكارى را پيشه خود قرار دهد). امام على(ع) نيز مى فرمايد: (هيچ عزت و شرافتى بالاتر از تقوا و پرهيزكارى نيست.)8

3. جهاد

كسانى كه در راه حفظ دين خدا شمشير مى زنند و سر از تن نمى شناسند تا به تكليف خود جامه عمل بپوشند, حقيقتاً شايسته عزت و شرافت اند, زيرا جهادگر با جهاد در راه خدا, به اسلام شوكت و به جامعه اسلامى عظمت مى دهد و خداوند به پاس داشت اين جهاد, او را عزيز مى دارد و ايشان را از درى از درهاى بهشت كه به جهاد نام گذارى شده, به بهشت برين وارد مى كند.

4. استغناى از خلق

انسان با ايمان نبايستى در زندگى خود به خواست هاى كم ارزش توجه ويژه اى داشته باشد, زيرا اهميت دادن به اين موارد, انسان را ذليل و خوار مى كند; در حالى كه انسان مؤمن, كرامت و شرافت دارد. امام على(ع) مى فرمايد: (از چيزهاى پست چشم پوشى, و قدر و منزلت خود را آشكار كنيد).9 امام حسين(ع) در پاسخ فردى كه از ايشان سؤال كرد: عزت مرد در چيست؟ فرمود: (عزت مرد در اين است كه به مردم احساس احتياج نكند.)

امام على(ع) نيز فرمود: (عز المؤمن غناه عن الناس; عزت مومن در بى نيازى اش از مردم است), زيرا درخواست و تقاضا از مردم براى دست يافتن و رسيدن به چيزى, ذلت آور است. شهيد مطهرى مى گويد: (اگر حاجت خودتان را با دوست و رفيقى مطرح مى كنيد تا آن جا كه شرافتشان و عزت نفس تان و سلامت نفس تان پايمال نشود, مانعى ندارد.)10

عوامل ذلت

ذلت از صفات ناپسند و نامباركى است كه هر فرد مسلمانى مى بايستى از عواملى كه موجب ذلت و خوارى در وجود او مى شود, اجتناب كند. از اين رو رهبران دينى همواره مردم را به دورى از ذلت, تشويق و ترغيب مى كنند. از متون دينى فهميده مى شود كه عوامل متعددى در بروز ذلت دخيل است, كه در اين جا به چند مورد اشاره مى كنيم.

1. درخواست از ديگران

متأسفانه بعضى انسان ها براى برطرف كردن نيازهاى زندگى و منافع مادى, خوارى و ذلت را به خود مى خرند و شرافت و كرامت انسانى خود را لكه دار مى كنند. حال اين سؤال مطرح است كه آيا براى رسيدن به زندگى مرفه و پر زرق و برق دنيا و به دست آوردن منافع مالى مى توان تن به ذلت و خوارى داد؟

پاسخ اين پرسش را امام على(ع) بسيار روشن بيان فرموده است: (يك ساعت تن به ذلت و خوارى دادن با عزت تمام روزگار برابرى نخواهد كرد.)11

2. گناه

گناه و ناپاكى به عزت آدمى آسيب جدى وارد مى كند و بذر ذلت و خوارى را در باطن انسان مى افشاند و هرچه بيشتر مرتكب گناه گردد به همان مقدار خوارى و پستى در وجودش پديدار مى شود.

انسانى كه به شرافت و كرامت و عزت نفس و سعادت خود علاقه مند است, هرگاه از روى نادانى و يا به دليل دوست ناباب و عوامل اجتماعى گرفتار گناه شد, هرچه زودتر به خود آمده, با اميد به رحمت و فضل خدا, راه توبه را به روى خود مى گشايد و طلب بخشايش مى كند تا خود را از ورطه بدبختى و عذاب برهاند و روح عزت, عظمت و كرامت انسانى را در خود زنده كند.

دورويى, چاپلوسى, دروغ گويى و حرص و طمع از ديگر عوامل ذلت هستند كه تفصيل آن را بر عهده شما پژوهش گران مى گذاريم.

با عنايت به اين كه امسال سال عزت و افتخار حسينى است, موضوع پژوهش مقطع راهنمايى و دبيرستان را در اين شماره (عزت و ذلت) قرار داديم تا علاقه مندان به پژوهش با انتخاب يكى از موضوع هاى پيش نهادى زير با استفاده از منابع معرفى شده مقاله خود را تهيه و به دفتر نشريه ارسال دارند.

موضوع هاى بحث

1 . عزت نفس چيست؟

2. عزت و ذلت در قرآن و روايات

3. عزت نفس در نهج البلاغه

4. عزت و ذلت از ديدگاه امام حسين(ع)

5. عوامل عزت آفرين

6. آثار عزت و ذلت در فرد و جامعه

منابع

1. قرآن مجيد, نهج البلاغه, صحيفه سجاديه.

2. كتاب هاى روايى: وسائل الشيعه, بحارالانوار, …

3. كتاب هاى شهيد مطهرى: آشنايى با قرآن, انسان كامل, فلسفه اخلاق.

4. يادنامه نهج البلاغه.

5 . عزت و ذلت در نهج البلاغه.

پى نوشت ها:

1ـ نهج البلاغه, حكمت 396.

2ـ (فان العزة لله جميعاً); نساء(4) آيه 139.

3ـ (تعز من تشاء و تذل من تشاء); آل عمران(3) آيه 26.

4ـ فلسفه اخلاق, ص90.

5 ـ حماسه حسينى, ج1, ص203.

6 ـ بحارالانوار, ج78, ص453.

7ـ غررالحكم و دررالكلم, حديث4056.

8 ـ نهج البلاغه, حكمت371.

9ـ تحف العقول.

10ـ فلسفه اخلاق, همان.

11ـ غررالحكم و دررالكلم, ص394.